



می گفت: مرز بین من و تو، خداست...

شهید هاشمی نژاد در آئینه خاطرات همسر

مرحومه سیده طیبه ابطحی

می شد، اما اگر واقعا با تمام میل می بایست آن کارها را انجام دهد، چگونه می توانستم راه را بر او سد کنم و در قیامت جوابگو باشم؟ این برای من درس بزرگی بود.

امروز هم در فرهنگ اسلامی خود آموخته ایم که مقدس ترین قطره در پیشگاه خداوند، خون شهیدان است و برتر از شهادت چیزی نیست. خداوند در شهادت را فقط به روی اولیای خاص خود می گشاید. اگر چنین است، پس چرا ما از شهادت که در مکتبمان یک فضیلت و درجه است، استقبال نکنیم؟ اگر مرگ بهتر از شهادت بود، حسین بن علی (ع) سزاوارتر بود که بدان دست یابد؛ بنابراین ما این شهادت ها را عامل سرفرازی در این دنیا و آخرت می شماریم.

این شهادت ها و این خون های مقدس، شعله های خشم و کینه را نسبت به دشمن در دل ما برافروخته تر و دل هایمان را مستحکم تر و دست هایمان را به هم فشرده تر و پیوندمان را تنگ تر می کند و ما را به انقلاب علاقه مندتر و در صحنه اجتماع فعال تر می سازد.

نکته دیگری که باید عرض کنم اینکه علاقه شهید به امام بی اندازه بود تا حدی که هر وقت امام را در صفحه تلویزیون می دید که صحبت می کنند، اظهار می کرد که الحمدلله قیافه امام شاد است، الحمدلله صدای امام خوب است. مردم این شهید را یکی از بارزترین یاران امام می شناختند. او هرگز از افشای خطاهای انحرافی در برابر امام کوتاهی نمی کرد. بسیار مهربان و خوش برخورد و باوفا و زندگی ما سرشار از محبت بود. قطعاً اگر نگوییم که او بی نظیر بود، به جرئت می توان گفت کم نظیر بود. خدایش رحمت کند. ■

* به نقل از: فریادگر عرصه شهادت، سید احمد هاشمی نژاد، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

رابطه اش با همسر و فرزندانش رابطه ای بود که خدایش از او انتظار داشت. او همسر بی نظیری بود و از ابتدای زندگی به من گفته بود که مرز بین من و تو خداست و خدا در زندگی ما حاکم است و من تا زمانی از این زندگی راضی ام که خدا راضی باشد. این قید، زمانی زندگی را سخت می کند که همدلی و همفکری بین زن و شوهری نباشد.

بالترین وظیفه من تربیت فرزندان مسلمان و مقاوم است که ان شاء الله و به لطف خدا در آینده نقش مؤثرتری از پدر را ایفا کنند. (اینجانب، نویسنده کتاب و برادر شهید زمانی که با همسر و فرزندان در حیات شهید در قم به محضر امام (ره) رسیدیم، همسر شهید به امام عرض کردند آقا برای بچه های من دعا کنید. امام فرمودند: «ان شاء الله مثل پدرشان شوند». همسر شهید عرض کردند «بهتر از پدرشان» که امام با لبخندی زیبا فرمودند: «کی بخیل است؟ بهتر از پدرشان بشوند»). زندگی ما از کیفیت بالایی برخوردار نبود. گاهی من اعتراض می کردم که لاف لاف روزهای جمعه را در خانه پیش بچه ها بمانید. چرا برای سخنرانی به اطراف خراسان می روید؟ به می گفتند: «اگر با این همه نیاز که به ماها هست من نروم، شما حاضرید در روز قیامت این نرفتن های مرا جوابگو باشید؟» طبعاً من حرفی برای گفتن نداشتم، زیرا اگر او احساس مسئولیت الهی می کرد، می بایست بیش از توان یک فرد کار کند. گاهی مدت ها می گذشت که خواب او از چند ساعت در شب تجاوز نمی کرد و شدیداً خسته

رابطه اش با همسر و فرزندانش رابطه ای بود که خدایش از او انتظار داشت. او همسر بی نظیری بود و از ابتدای زندگی به من گفته بود که مرز بین من و تو خداست و خدا در زندگی ما حاکم است و من تا زمانی از این زندگی راضی ام که خدا راضی باشد. این قید، زمانی زندگی را سخت می کند که همدلی و همفکری بین زن و شوهری نباشد.

او هیچ وقت اعتراض نمی کرد که فرضاً چرا غذا درست نکردی یا چرا فلان غذا را نپختی و هر وقت که من به دلایلی نمی توانستم غذا بپزم، خودم می رفتم آشپزخانه و تخم مرغی درست می کرد و با هم می خوردیم.

ایشان در غذا دادن به بچه ها پیشقدم بود و هر وقت فرصت داشت، با بچه ها بازی و آنها را سرگرم می کرد. او هیچ گاه از کمک کردن به من در خانه دریغ نمی کرد. علاقه اش به زن و فرزندانش خیلی زیاد بود، ولی این علاقه در گرو علاقه به خدا بود و باعث نشد که فعالیت های عظیم اجتماعی اش را کم کند و در کنار ما بماند. این علاقه ها حتی باعث نمی شد که به علت خطر جدی که هر لحظه در کمینش بود، در بین مردم ظاهر نشود یا کلاس های درسش را تعطیل کند.

به هنگام شهادتش، لحظات سختی بر ما گذشت. بس مشکل است که فرزند خردسالی از مادری، پدرش را بخواهد و ماساژ نتواند به او جوابی بدهد. فرزندان کوچکی که مفهوم شهادت را هنوز درک نمی کردند. در چنین شرایطی به خاطر بچه ها باید خون سردی ام را حفظ می کردم و بر اوضاع مسلط می بودم. مشکلات زیاد بودند، اما الحمدلله با کمک خدا توانستم تا حدود زیادی آثار سوء این فقدان را در بچه ها از بین ببرم و الان بچه ها می دانند که پدرشان پیش خدا رفته و در بهشت است و دیگر بر نمی گردد و با توجه به این که بهشت را جای خوبی می دانند، فکر می کنم که ناراحتی آنان کم تر باشد.
